

تاریخ اجتماعی ایران

تالیف: مرتضیٰ راوندی

انتخاب، مقدمه و دست‌نویسی

محسن دامادی

2202

۱۳۷۸-۱۳۹۲، مرتضی، راوندی
عنوان و نام پدیدآور: برگزیده تاریخ اجتماعی ایران/تألیف مرتضی راوندی: انتخاب، مقدمه و
یادداشت‌نویسی محسن دامادی.
مشخصات نشر: تهران: محسن دامادی، ۱۳۹۶. ۵۷۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۵۴۵۸-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: ایران — اوضاع اجتماعی. Iran—Social conditions
موضوع: ایران — تاریخ. Iran—History
شناسه افزوده: دامادی، محسن ۱۳۲۸- ، مقدمه نویس
رده بندی کنگره: HN ۶۷۰/۲ / ۱۸ ۱۳۹۶ / ۲۲۰۱ ر
رده بندی دیویی: ۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۰۸۱۴۹

برگزیده تاریخ اجتماعی ایران

تألیف: مرتضی راوندی

انتخاب، مقدمه و یادداشت‌نویسی: محسن دامادی

صفحه‌رایی: لیلا طیبی

ناشر: مؤلف

چاپ و صحافی: واژه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، تهران ۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۵۴۵۸-۶

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است

تلفن: ۶۶۴۸۴۹۵۷ - ۶۶۴۹۹۵۹۱



فهرست مطالب

۹	چرا برگزیده؟
۸۷	سرآغاز
۹۴	عقیده پیشینیان راجع به زمین و موجودات آن
۹۵	پیدایش جهان
۹۷	دوران ماقبل تاریخ در ایران
۹۸	آسان ماقبل تاریخ در ایران (زندگی در غار)
۱۰۱	توحش تا تمدن
۱۰۵	آری
۱۰۸	دیگر جلوه‌ها
۱۱۱	استفاده از غلات
۱۱۳	ایران، قبل از اسلام
۱۱۷	آغاز خط و کتابت
۱۲۳	دوران اسارت بشر در خرافات
۱۲۷	اعتقاد به زندگی پس از مرگ
۱۲۹	دین ایرانیان
۱۳۲	گفتگو با خدا
۱۳۴	قیام ابراهیم علیه خدایان
۱۳۴	تغییرات کلی در قوانین و سنن عهد کهن
۱۳۷	نبرد علم با جهل و خرافات
۱۳۹	رشد تدریجی علوم و صنایع
۱۴۱	علم و دین
۱۴۳	وضع طبقات در طلیعه تاریخ
۱۴۴	نخستین مبادلات
۱۴۶	شهرها و بذایع تاریخی عهد کهن
۱۴۹	حکومت عیلام
۱۵۰	فرضیه مهاجرت آریاها

۱۵۱	قدرت سیاسی عیلامیان
۱۵۳	فرهنگ و تمدن عیلام
۱۵۴	حکومت ماد
۱۵۸	پادشاهی ماد
۱۵۹	نخستین سازمان درباری ماد
۱۶۰	وضع لیاقت مختلف در دوره مادی
۱۶۴	فرهنگ و تمدن مادی
۱۶۵	سوابق فرهنگی خاورمیانه مقارن تشکیل حکومت هخامنشیان
۱۶۸	تمدن بلی که در راحل دجله و فرات پدید آمدند
۱۷۰	تمدن بابلی
۱۷۲	قدیمی ترین قوای مدور جهان
۱۷۵	معتقدات مذهبی بابلی
۱۷۶	روابط جنسی در بابلی
۱۷۹	تمدن آشوری
۱۸۰	سازمان جنگی آشوریان
۱۸۳	فنیقیان
۱۸۵	قوم یهود
۱۸۷	چگونگی پیدایش زمین و موجودات در نظر تورات
۱۹۰	قوانین و تعلیمات موسی (ع) و واضعین تلمود
۱۹۲	ظهور مسیحیت و چگونگی انتشار آن
۱۹۲	نمونه‌ای از تعلیمات مسیح
۱۹۴	نظامات اجتماعی
۱۹۶	علل انتشار و رشد مسیحیت
۱۹۸	نهر و معتقدات مذهبی مردم
۲۰۲	مبادلات ایران و هند
۲۰۴	چین و اندیشه‌های کنفوسیوس
۲۰۷	کنفوسیوس

۲۰۹	آثار و افکار کنفوسیوس
۲۱۴	مذهب و اخلاق مردم چین
۲۱۷	سزیمین یونان و طرز حکومت اسپارتی
۲۲۰	قوانین دراگون و سولون
۲۲۷	مظاهر تمدن و فرهنگ یونان
۲۲۹	عقاید و افکار فلسفی در یونان قدیم
۲۳۰	فلسفه، مادر علوم
۲۳۲	ارسطو، بزرگ‌ترین متفکر دنیای قدیم
۲۳۷	ارزش آثار ارسطو
۲۴۱	رواقیون
۲۴۲	فلسفه ایقنای «اپیک»
۲۴۵	سلاطین و فرمانروایان ایران، عهد هخامنشیان
۲۵۰	حکمت تاریخ در آثار مورخان
۲۵۵	مبارزات داریوش
۲۵۷	جانشینان داریوش
۲۶۲	وضع اجتماعی و اقتصادی ملل در دوره هخامنشی
۲۶۷	بار سنگین مالیات و وضع مؤدیان مالیاتی
۲۷۰	تجارت و بازرگانی در ایران عهد هخامنشی
۲۷۲	خفر کانال سوئز توسط داریوش
۲۷۲	طرز حکومت هخامنشی
۲۸۰	راه‌های ارتباطی جاده شاه‌ی
۲۸۲	سازمان ارتش
۲۸۶	سازمان قضایی در ایران عهد هخامنشی
۲۹۱	بحث کلی پیرامون طبقات مردم
۲۹۸	مغ‌ها یا روحانیان
۲۹۹	ابطال روحانیان با فرهنگ
۳۰۰	شاه‌ورزان

۲۰۴	توجه به کشاورزی و دامداری در آیین زرتشت
۲۰۷	کارگران و پیشه‌وران
۲۱۱	موقعیت اجتماعی زنان
۲۱۴	سیر علوم و افکار و معتقدات مذهبی
۲۱۵	زبان در ایران باستان
۲۱۶	خدا در ایران باستان، اوستایی و میخی
۲۱۷	آیین مزدیسنا
۲۱۸	آیین مهر
۲۲۱	زرتشت و اصلاحات مذهبی
۲۲۵	تألیفات اوستایی زرتشت
۲۲۵	نمونه‌ای از تفکرات مذهبی و اجتماعی او
۲۲۹	کتاب مذهبی زرتشتیان
۲۳۰	چینود پل یا پل صراط
۲۳۲	عقیده به معاد
۲۳۴	وضع ایران مقارن حمله اسکندر
۲۳۵	اقدامات فیلیپ
۲۳۷	فتوحات اسکندر
۲۳۹	فجایع اسکندر در تخت جمشید
۲۴۲	پایان لشکرکشی
۲۴۴	سلوکیان
۲۴۶	وضع سیاسی ایران از حمله اسکندر تا ظهور پارتیان
۲۵۲	وضع بندگان
۲۵۵	علل سقوط سلوکیان
۲۵۹	وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دوره پارتیان
۲۶۳	سیاست پارتی‌ها
۲۶۵	سازمان ارتش
۲۶۸	طبقات مختلف در عهد پارتیان

۳۷۱	وضع اجتماعی زنان پارتی
۳۷۵	وضع اقتصادی در عهد پارتیان
۳۷۹	فرهنگ و مذهب در عهد پارتیان
۳۸۱	آثار هنری پارتی
۳۸۳	ساسانیان
۳۸۵	زمانداری شاپور
۳۸۷	شاپور دوم
۳۸۹	ساسانیان شاپور دوم
۳۹۱	خسرو انوشیروان
۳۹۵	ساسانیان خسرو انوشیروان
۴۰۱	وضع اجتماعی و طبقاتی در ایران در دوره ساسانی
۴۰۷	دیگر طبقات اجتماعی ساسانی
۴۰۹	روحانیان در دوره ساسانیان
۴۱۰	کشاورزان در دوره ساسانیان
۴۱۱	خراج و مالیات از کشاورزان
۴۱۵	جنبش مزدکیان
۴۱۷	شخصیت مزدک
۴۱۸	نزدیکی قباد با مزدک
۴۱۹	قیام مزدکیان
۴۲۲	سرکوبی مزدکیان
۴۲۴	وضع اجتماعی ایران پس از شکست مزدکیان
۴۲۶	موقعیت اجتماعی و حقوقی زنان در دوره ساسانیان
۴۳۲	وضع اقتصادی ایرانیان در دوره ساسانیان
۴۳۶	تشکیلات اداری و خصوصیات دیوان‌های ساسانی
۴۴۱	وزیر دارایی و اخذ مالیات
۴۴۳	دادگستری در دوره ساسانی
۴۴۴	انواع جرایم

.....	انواع کیفر
.....	روحانیان زرتشتی
.....	نمونه‌ای از قوانین حقوقی
.....	مقام دبیران
.....	اداره پست و سازمان‌های جاسوسی
.....	نیروی لشکری
.....	سیر علوم و اندیشه‌ها و افکار مذهبی
.....	دین و دولت
.....	تربیت و تعلیم و تربیت در عهد ساسانیان
.....	طب و پزشکی در ایران باستان
.....	طب
.....	افکار حقوقی در ایران
.....	قطعات پهن
.....	کارنامه اردشیر پپکان
.....	تفکرات علمی و فلسفه
.....	هنر ساسانی
.....	معماری ساسانی
.....	موسیقی در عهد باستان
.....	اعیاد باستانی ایران
.....	عید نوروز
.....	جشن مهرگان
.....	جشن سده
.....	یادداشت‌های گردآورنده
.....	فهرست اعلام

چرا برگزیده؟

خوانندگان کتاب‌ها کنجکاوند بدانند قرار است در باره‌ی چه بخوانند. نویسنده و ناشر در پیش‌درآمد یا مقدمه، کتاب خود را معرفی می‌کنند. به لطف روزگار، کتاب‌ها آسان‌تر چاپ می‌شود، ولی خواننده‌ی کتاب‌ها کمتر شده... نام کتاب تاریخ اجتماعی ایران یا از-اور که معروف شد، تاریخ راوندی، برای خوانندگان آشناست. بیش از پنجاه سال رنج بین چاپ آن می‌گذرد، بارها قانونی و غیرقانونی تجدیدچاپ شده و این روزها «انلودهای اینترنتی» نیز به انتشار قاچاق آن افزوده شده، تا حقوق مولف از بهره‌ی زحمات که طیر خدایا بین برود.

رواج این شیوه‌ی نادرست مرهون چه عواملی است: نبود اخلاق و توجه به رعایت حقوق دیگران، نبودان اشتاق کتاب‌های نایاب، حضور قاچاقچیان کتاب که از اتفاق، مدعی کاری فرهنگی است، دستورمیزی که معتقد است به وظیفه‌ای قانونی عمل می‌کند؟... دلیل یا دلایل این امر چه باشد، کتاب‌ها برای ترویج ادب، دانش، اخلاق، فرهنگ و آموزش منتشر می‌شوند.

سال‌ها بلکه قرن‌هاست، در ایران و بعضی کشورها، جهان، در چرخه‌ای بی‌توقف، نوشته‌هایی خوانده می‌شود که آسان منتشر نشده است. «آسان» به معنای «آسان» قرآن کریم «انسان» حریص است به آنچه از آن منع شود» آیا اشتیاق به شناختن نوشته‌ها، دانستن آنچه از آن منع شده، در نهاد آدمیان و نیاز فطری آنهاست؟

پاسخ هر چه باشد، اگر رساله‌ها، اشعار، روزنامه‌ها، کتاب‌های مذهبی و روان‌پهلوی اول و دوم... باقی مانده، یعنی مبارزه با انتشار آنها بیهوده بوده، یا این مبارزه بی‌بهره شده، تمام یا بخشی از آنها از بین برود، یا دچار جعل و تحریف و اضافات شده و سپس منتشر شود. مثلاً کم نیست اشعاری که به چند صورت ضبط شده و پژوهندگان ادبی با

نگارش ده‌ها مقاله و کتاب در باره‌ی آنها بحث و جدل کرده‌اند که در فلان بیت از فلان غزل، خُم درست است یا دُم؟ یعنی در باره‌ی شعری که قرار بوده کسی نخواند، چندین جلد کتاب و ده‌ها مقاله منتشر و دست به دست شده است!

رواج نوشته‌های قاچاقی، در مواردی نیز ارج و اعتباری برای خالقان آنها ایجاد کرده که شاید حق آنها نبوده، یا فرصت برای فرصت‌طلبانی فراهم آمده تا در جایگاه معترض (اپوریسیون) قرار گیرند. کسانی که با ترویج افکار ممنوع خود، زمینه‌ای برای انحراف اندیشه‌ها ایجاد کردند، یا پیروانی ناآگاه و مکتب‌های فکری دروغین ساختند!

شاید اگر این گونه آثار در دسترس بود و منصفانه نقد و ارزیابی می‌شد، کمتر تبعات منفی داشت. مثلاً محبوبیتی بی‌دلیل برای نویسنده‌ای فراهم نمی‌آمد که دلایل عقب ماندگی‌اش در سلیات فلان شاعر قرن هفتم ایران بدانند! اما در باره‌ی این نیز در روند انتشار آثار نویسندگانی، بی‌آنکه از صافی نقد و داوری منصفانه بگذرند، موانع ایجاد شده که سزاوار آنها نبوده. به دلایلی که پس از این خواهم نوشت، کتاب‌های مرحوم مرتضی راوندی از این گروه است.

هنگام نوشتن این پیش‌درآمد، پژوهندگی از دایره‌المعارف بزرگ اسلامی تماس گرفت. او مطالبی در باره‌ی راوندی برای چاپ در دایره‌المعارف می‌خواست. از جستجو در منابع موجود نتیجه نگرفته، یا از درستی آنچه یافته بود مطمئن نبود. پژوهنده می‌گفت: «به نظر می‌رسد راوندی عمداً خواسته گمنام بماند. اما مگر می‌توان با چنین اتفاقی گمنام ماند؟» طرفه حکایتی است، جستجوی هویت مورخی که در این سال پیش، یعنی شهریور ۱۳۷۸ خورشیدی از دنیا رفته و خودش هویت تاریخی ایرانی را در هزاران سال پیش جستجو می‌کرده... راوندی در قطعه‌ی نویسندگان بهشت زهرا به خاک سپرده شد و در تمام عمر در تهران ساکن بود، اما پس از فوت او، چند نشریه‌ی ادبی نوشتند: «مرتضی راوندی در غربت وطن، روی در نقاب خاک کشید!»

پس از آن، بویژه از سالگرد فوت او رادیو و تلویزیون، پژوهشگاه‌های دینی، ادبی و

تاریخی، از او به نیکی و با عنوان دکتر راوندی یاد کردند، که در غربت وطن درگذشت...
یادی چنین و با اعتبار عنوان الصاقی دکتر! اما راوندی دکتر نبود.
پرسش اساسی این پیش درآمد همین است: وقتی زندگی و مرگ نویسنده و مورخ
معاصر، پس از انتشار ده‌ها جلد کتاب، این چنین گرفتار تغییر و تحریف می‌شود، حال و
روز تاریخ این سرزمین کهن با تاریخ دیرسالی چند هزار ساله چگونه باید باشد؟



د سالگرد فوت راوندی در شهریور ۱۳۷۹، یادنامه‌ای کوچک برای او چاپ شد، با
مضامینی از چند دوست، چند ناشر و اخبار چند نشریه پس از فوت او... نویسندگان یادنامه،
شخصیت، دانش، فروتنی و کتاب‌های او بویژه تاریخ اجتماعی را ستوده و کم‌نظیر
دانسته بودند. اما راوندی، خودش تاریخ اجتماعی ایران را ناکافی و ناکامل می‌دانست.
نوشت و آرزو کرد که روزی پژوهندگانی، به صورت گروهی، با پشتوانه‌ی علمی و
سرمایه‌ی مادی کافی، تاریخ ایران را کامل‌تر بنویسند. کاری که او به تنهایی آغاز کرد
و به پایان برد و به تعبیر یادنامه «کاملاً بود کارستان». بدون دریافت دیناری از بنیادها
و پژوهشگاه‌های دوران پهلوی که حاضر برای کمک به همین کار ساخته شده بودند.
در روزگار پس از انقلاب نیز کسی آن طور که سزاوار است، احوالپرس او نبود.
راوندی با حقوق کارمندی خود، بیشمار کتاب خرید و خواند و فیش نوشت. کتاب‌های
شخصی دوست و غریبه را قرض گرفت و به دنبال نکته‌ی از کتابی به سفرهای دور و
نزدیک رفت. او بیش از ۴۰ سال از عمر خود را بر پژوهش تاریخ ایران گذاشت تا
دایرةالمعارفی بزرگ فراهم آورد. تنها کتاب تاریخ اجتماع ۱۰ جلد (جلدهای ۴ و ۸
دو بخش است) منتشر شده. به این مجموعه، ۳ جلد کتاب تاریخ تحریکات اجتماعی، ۱
جلد تاریخ دادگستری در ایران و اروپا، ۱ جلد تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا و چند
کتاب ترجمه شده افزوده و در باره‌ی این گفته‌ی نویسنده‌ی گرانقدر، نجف دریابندری
بر سر قبر او در بهشت زهرا قضاوت کنید که با نقل جمله‌ای از تنها مصاحبه‌ی راوندی
چنین گفت: «سخن از مردی می‌گویم که با داشتن آثاری بسیار و بیشمار می‌گوید: من

آثار زیاد و متنوعی ندارم، اساسش تاریخ اجتماعی ایران است که در ده جلد منتشر شده! راوندی در مقدمه‌ی کوتاهی بر آخرین جلد از تاریخ اجتماعی چنین نوشت: «با انتشار جلد دهم تاریخ اجتماعی ایران، کار سنگین و دشواری را که در حدود چهل سال پیش، با علاقه فراوان، گردآوری مطالب و تالیف آن را به عهده گرفته بودم، پایان یافت». این جمله را مقایسه کنید با نقل بعضی نویسندگان از نوشته‌های اندک خود که از رنج طاقت‌فرسا و عرق‌ریزان روح! و... می‌نویسند. راوندی با نوشتن همین چند سطر، پرونده بیش از چهل سال پژوهش و تالیف را بست. همین و نه بیش از این، در توضیح آن همه کار و کاه! حیرت‌انگیز نیست؟



مرتضی راوندی در سال ۱۲۹۰ در خانه‌ی پدری، واقع در کوچه‌ی عزیزآقا سقامجمد (در خیابان حافظ ۱۰۰) به دنیا آمد. روزی برای جستجوی خانه‌ی پدری رفتیم. همه چیز عوض شده بود. بن‌های خانه‌ها، که او بهروشنی از کودکی به یاد داشت، پدرش (سیدمهدی) اصالتاً از اهل میهان بوده که برای تحصیل علوم دینی به نجف رفته و پس از فوت همسرش، از نجف، با ۳۰۰۰ تومان به تهران آمده و در تهران دوباره ازدواج کرده. اصل ازدواج مجدد ۵ فرزند است: سیدمصطفی، سیدمحسن، سیدحسن، خدیجه (معروف به خانم خانوما) و سیدمرتضی.

آقا سیدمهدی حوالی چهارراه مهدی‌خان (در خیابان کارکس کنونی) محضری دایر می‌کند. چون از نجف آمده، بین مردم محله و منطقه به آقا جعفر مشهور می‌شود. (با آقاجعفر معروف اصفهانی اشتباه نشود). او در محله، خوشامد و محبوب بوده، مانند مرتضی که تا پایان عمر چنین بود.

تا زمانی که پدر زنده بوده، اعضای خانواده، تنی و ناتنی با هم زندگی می‌کنند و مرتضی با پرسش‌ها و کنجکاوی‌های بسیار، محبوب برادران بوده و او را علم‌مندی لقب داده بودند. از مادرش (سلطنت‌خانم) نقل شده: «مرتضی، علی‌الدوام حرف می‌زند و چون و چرا می‌کند.» لابد یا از پاسخ‌ها قانع نمی‌شده، یا پاسخ‌ها، مگو و زودهنکام بوده. گویا

علم‌الهدی از کودکی نصیحت هم می‌کرده، کاری که تا پایان عمر و با دلسوزی، برای همه، آشنا و غریبه انجام می‌داد.

هنگامی که مرتضی پنج ساله بوده، پدرش فوت می‌کند. تصویری کم‌رنگ از پدر داشت. یادش بود «مردم با اصرار زیاد، دست او را می‌بوسیدند» کاری که او از کودکی دوست نداشته و در بزرگی مورد نفرت او بود. لابد خودش نیز به عنوان بچه‌سید، مشمول محبت زورکی اهل محل بوده که تصویری ناخوشایند از آن مهرورزی‌ها در ضمیر او مانده بود. از بوسیدن و به هوا پرت کردن نوزادان عصبانی می‌شد «خنده‌ی کودک از تربیت است، نه خوشی. مردم گمان می‌کنند طفل بیچاره از خوشحالی می‌خندد!» و همیشه تأکید داشت که کسی صورت نوزادان را نبوسد، پس از تولد نوه‌اش پویا، یادداشتی بالای گه‌رهِ او داشتیم کسی صورت او را نبوسد! از دیده‌بوسی مردان شاکی بود و از قول عبید زکانه را «قرآن التحسین» می‌نامید. به تعارفات مرسوم ایرانی مانند قربانت بروم، فدایت شوم از الرزق داشت. «این جور تعارف‌ها، تشویق به ریاکاری است، کی واقعا حاضر است برای دیگری قربانت شود؟»

روحانی‌زاده بود و عکس هم در صورتش تأثیر آنچه به الزام و تهدید به آن وادار شده، نسبت به رفتارهای عرفی مذهبی الرزی داشت. ولی هرگز با کسی از در مخالفت برنمی‌آمد و به رفتار دینی دیگران احترام می‌گذاشت. نه تنها به کار و ظاهر و شغل پدر و برادر روحانی خود نمی‌بالید، بلکه این شغل را وسیله فرار از کار و تلاش و فعالیت مثبت می‌دانست. البته در روزگار پهلوی کمتر آخوند می‌توانست وارد دستگاه دولت شود. این مانع، پس از انقلاب برداشته شد و اکنون بسیار روحانیان، در کنار فعالیت مذهبی، کار و شغل اداری نیز دارند و تا مراتب بالا، حتی ریاست وزارت معارف می‌روند. برادرزاده‌ی راوندی، آیت‌الله موسوی غروی از روحانیون ملی و همراهی دکتر محمد مصدق و به او نزدیک بوده، اما راوندی همین که ممکن شد، شهرت را در تبریز داد. «نمی‌خواستم روی جلد کتابم بنویسند سیدمرتضی موسوی غروی» و در حالی که هیچ نسبتی با اهل راوند و شهر کاشان نداشت، فامیل راوندی را برای خود برگزید.